

احمد بن احمد بن محمد بن عیسی - برسی فاسی، معروف بر روق،

### ر روق

ملقب شهاب الدین، مکنی ابوالعباس، از محققین ائمه صوفیه

میباشد که هر دو علم شریعت و طریقت را جامع و تألیفات او مختصر و منقح و نافع و حاوی فوائد و تحقیقات بسیار (خصوصاً در تصوف) میباشد

۱- شرح رساله انورید قیروانی در سه مالک ۲- النصیحة الکافیة لمن حصه الله بالعافیة

۳- الوطیة الرزوقیة ودو اولی مستعلا و سومی بیر تا شرح احمد سجاعی در مصر چاپ

شده اند رروق سال هشتصد و نود و نهم هجرت در سجاه و سه سالگی در موضعی تکرین

نام از توابع طرابلس در گذشت (ص ۹۶۵ مط و صره)

### ر عهرانی

حسن بن محمد بن صباح - بغدادی، مکنی ابوعلی یا ابو عبدالله

### ر عهرانی

مسوب تقریبه ر عهرانیة بغداد ویا در ر عهرانی مذکورین در

دیل میباشد، از فقها و محدثین شافعی و صاحب اما شافعی بود، تمامی کتابهای او را

برد خودش خوانده تا در فقه و حدیث براعت یافت و در هر دو رشته کتب بسیاری تألیف

داد و از روایت کتب و اقوال امام شافعی میباشد، برمدی بیر از وی روایت میکند صاحب

بر حمه در ماه ربیع الثانی سال ده یست و چهل و شش تا ده ویا در سلح شعبان یا رمضان

دویست و شصتم هجری قمری در گذشت

(ص ۲۹۷ و ۲۱۴ و ۱۴۵ هـ و ۱۴ ح ۱ ک و ۴۸ ح ۴۵ هـ)

۱- ر عهرانی - در بعضی موارد، مسوب بر عهران معروف بوده و گمایه از فروشنده آن

است و در بعضی از مواضع ندیهی ر عهراسه نام در همدان و ندیهی دیگر همین نام در بغداد مسوب

میباشد و گاهی بحاله در ر عهرانی از مجلات بغداد که منسب بهمان دینه است مسوب است،

بهر حال عنوان ر عهرانی در اصطلاح رحالی عبارت از احمد بن محمد عسگری، حبیب بن مسر،

صباح بن محمد، عمران بن اسحق، عمران بن عبدالرحیم، محمد بن احمد، محمد بن اسمعیل

و بعضی دیگر میباشد که شرح حال اسان را موكول بكتب رحاله داشته و در اینجا شرح حال

احتمالی بعضی دیگر از معروفین همین عنوان مسرداریم

عمر بن محمد مکنی باوالعاسم، ملقب بدومی یارومی،  
 معروف برعمرانی، ادیبی است شاعر بحوی لغوی از اعیان اهل  
 ادب که در معرفت عروض و قوافی و فنون شعریتد تخصص داشت، نا ابن السدیم وصاحب  
 بن عسّاد متوفین سال ۳۸۵ هـ ق معاصر و مدّاح صاحب بود از ابیات قصیده‌ای نویسه  
 میباشد که در مدح وی گفته است

ایا من عطاياہ تہدی العسی  
 کسوت المقیمین والرأثرین  
 و حاشیة الدار یمشون فی  
 الی راحتی من نای اودی  
 کسالم یحل مثلها ممکنا  
 صوی من البحر الا اسا

صاحب گفت در احبار من من رائدہ آمده است که کسی از وی خواستار مرکی گردید،  
 معن امر کرد که نافه و اسب و الاع و فاطر و کبیر کی بدو دادند و اعتدار نمود نایسکه  
 اگر در مخلوقات، هر کوی غیر ایسا سراع داشتم آن را بر تو می بخشیدم ایسک ماہم  
 امر کردیم کہ حنہ و قمیص و دراعه و سراویل (شلوار) و مسدیل (دسمال) و مطرفه  
 وردا (عما و نالایوش) و کسا (حامه و لباس تن) و کیسه و حورابی تو بدهند و اگر غیرار  
 ایسا حیردیگری سراع داشتم کہ از حرّ درست میشود آن را بر تو عطا می کردم  
 دراعه (نا صمّ و شدید) نوعی از حنہ است کہ طرف پیشین آن نار و گشاده باشد  
 مطرفه ردائی است از حرّ کہ مربع و حالدار میباشد سه کتاب العروس و العوافی و اللغات  
 اربالیغات رعمرانی میباشد، وفات او پیش از وفات ابن السدیم مذکور بوده و سال آن مصوط  
 بیست و طاهر آستکه سست عمر رعمرانی برعمرانیة بغداد است و شاید کہ از رعمرانیة  
 همدان باشد (ص ۴۹۹ ت و ۲۶۷ ح ۲ بی و ۱۴۵ هـ و ۱۲۴ ف و ۵۹ ح ۱۶ حم)

در اصطلاح رحالی محمد بن عتبه بوده و رجوع بدان علم نماید  
 احمد بن نصر - مکنی نا نوکر، از عرفای او اسط قرن سیم هجرت  
 رفاق کبیر وار اقران حمید بغدادی بود از وی درخواست پند و نصیحتی  
 نمودند گفت چه بهتر از این کہ در دنیا بوده ولی از آن دور باشید، نا اهل آن در ظاهر  
 بردیک بوده و در باطن کنار حوئی نمائید، بقدر امکان دفع شر کند، مشأ حیر بوده و

آبی ار یاد حق تعالی عاقل باشید (اطلاعات معرکه)

رکی الدین      عبدالرحمن - عنوان قوسی خواهد آمد  
 رکی الدین      یا { مولی عنایت الله عنوان قبیائی خواهد آمد  
 رکی بصری

### زلالی

تریری ، ار شعرا و سخن سحاح قرن دهم یا یازدهم هجری تریر  
 زلالی      میباشد که حوایی حوشرو و ملیح الطبع بوده و ار او است

نشو این نکته سجیده رعم حورده حویش      که به ار رده بی عشق بود مرده عشق  
 اسم و سال وفات و مشخص دیگری بدست بیامد (اطلاعات معرکه)

حواساری ، ار شعرای زبردست قرن نازدهم هجرت میباشد که  
 زلالی      با حکیم حواساری معروف بود و گاهی ملال زلالی اش بصری گویند

با شیخ بهائی (متوفی سال ۱۰۳۱ هجری قمری) معاصر بود ، قصیده ای بیر در مدح وی گفته  
 است ، در مدح چهارده معصوم علیهم السلام بیر چهارده قصیده سروده و علاوه بر آنها قصائد  
 بسیاری دارد و هفت مثنوی لطیف رشته نظم آورده است

۱- آذر و سمندر ۲- حسن گلوسور ۳- دره و حورشید ۴- سلیمان نامه ۵- شعله  
 دیدار ۶- محمود و ایاز که بدو هزار و سب و چهار سب مشتمل و در سال ۱۰۲۴ هجری قمری  
 سایاس رسانده و حمله الهی عاقبت محمود باشد = ۱۰۲۴ ماده تاریخ انعام آن است ۷- میخانه  
 موشته نصرآ نادی رطب و یا مس کلامس بسیار است ، لکن ابیات بلندش از فیل اعجاز ،  
 در تاره گوئی و نمک کلام ورد ، در وقت مثنوی طرز حدیدی نعره آورده که کسی پیرو او

۱- زلالی - بسم اول ، مسوب لزال است و آن عربی آب سرد و گوارا و صاف و  
 شربین را گویند

مرعی که خبر ندارد از آب زلال      منقار آب شور دارد همه سال  
 طاهراً بمناسبت همین معنی ، بعضی از شعرا خودشان را متخلص بدان داشته و گویا کلمات و  
 اشعار خودشان را تشبیه آب همجانی کرده اند نام و سب هجکدام از ایشان بطر این نگارنده  
 بر سیده و فقط با نسیاب نلده خودشان از همدگر امیبار نامد ایک ما سر بعضی از ایشان را  
 بهمن ترتب مینگارم

تواند بود وار مشویات او است

که چندانی که طوفان میکم هست

مدم لطف خدا بالای هردست

فرستد حوصله آن که سخن را

فروریزد بدامانم چمن را

بیا گو محتسب تا مست گیرد

کسی کش مصرعی در دست گیرد

اسم و رمان وفات و مشخص دیگری بدست بیامد

(ص ۲۴۱۸ ح ۳ ص ۷۷ و محل ۲۳۰ و تذکره صرآنادی)

شیرازی ، ارشعرای ایرانی قرن دهم هجری میباشد که ارشاگردان

ر لالی

مولانا اهلی بود، بهندوستان رحلت کرد و اکثر بلاد هند را سیاحت

نمود و سال ۹۴۸ ه قمری در کجرات درگذشت وار او است

عشق با حان است میترسم که آن بیرون رود

بی رخش عم بیست گراز سینه حان بیرون رود

(ص ۲۴۱۸ ح ۳۴)

اسم و دیگر مشخصاتش بدست بیامد

هروی ، شاعری است مشهور که فرید رمان خود بود ، در سال

ر لالی

بهصدوسی و یک هجری وفات یافته وار او است

دارم گله ار چشم خود اریار ندارم

چشمی که بود لایق دیدار ندارم

(ص ۲۴۱۸ ح ۳)

اسم و مشخص دیگری بدست بیامد

رمانای نقاش - اصفهانی - بعنوان راصی نگارش دادیم

بخلص شعری چندی از شعرای ایرانی است که یکی اردستانی،

رمانی

دیگری سیستانی و سومی لاهیجانی بود شهر ارهمه ، رمانی

بردی است که بمالارمانی معروف و در خدمت شاه عباس ماصی بوده و در سال يك هزار و

بیست و يك هجرت درگذشت و ار او است

ليك داسته بیرسید که این کله کیست

یار ار کله ما دوش بداسته گذشت

(ص ۲۴۲۱ ح ۴ ص)

محمود بن عمر بن احمد - یا محمد بن عمر یا احمد حواری،

رمحشری

رمحشری المولد ، حرحانی المدفون ، معتزلی الاصول ، حنفی

الفروع ، ابوالقاسم الکیمیة ، حارالله اللقب ، ارجحول علمای اهل سنت و جماعت میباشد که در فقه و حدیث و تفسیر و نحو و لغت و بیان و بلاغت و ادبیات عربیة استادکل و مرجع افاضل بود، از بلاد بعینده حاضر حوزة درس و افادات وی شده و او را فخر حواری می گفتند یک پای او بنا بر مشهور، از صدمه برف و سرما ساقط و محو شده و با پای چوبین راه می رفته است در معجم الادباء گوید از خود رمحشری نقل شده که قطع پای او در اثر هریس مادرش بوده است ، چون در کودکی نحی بنای گشنگی بسته بود، گشنگی از دستش خلاص شد و ناآشیان خود رفت پس آن نح را نکان داد که بلکه بدان وسیله گشنگ را بیرون کند، پای گشنگ شکسته و در سر آن نح بیرون آمد، مادر رمحشری از کثرت سوز دل ، هریس کرده و گفت خدا پای ترا قطع کند چنانچه تو پای آن حیوان را قطع کردی ، رمحشری بعد از وقوع این قصیه به جهت تحصیل علم سحارا رفت با زوری از مرکب افتاده و پایش بطوری حرد و شکسته شد که سب قطع آن گردید هریک از تألیفات طریقه و نافع و متوعه رمحشری در اثناب سحر علمی او برهائی قاطع میباشد

۱- الاحاقی الحویة ۲- اساس البلاغة در لغت که در فاهره حاب سده اس ۳- اسماء الحال والامکة والمیاه ۴- اطواق الذهب فی المواعظ والحطب که حاوی صدم مقاله با سلوب معامه میباشد که هر مقاله ای مواعظ و نصایح سودمندی را مشتمل است ، در مصر با شرح بوسف اعتصامی و در بیروت بطبع رسیده و در استانبول و پاریس و وین نیز با ترجمه ترکی و فرانسوی و آلمانی علی التریب چاپ شده است، دو سحه حطی آن نیز بصمیمه اطواق الذهب شرف الدین شعروه شماره ۳۳۴۸ و ۳۳۵۰ در کماحانه مندرسه سه سالار حدید نهر آن موجود است

۵- احب العرب فی شرح لامیة العرب که در استانبول و فاهره حاب سده اس ۶- الامالی ۷- الامورج در نحو که بارها در ایران و غیره مستعلا و اغلب با شرح مشهور عبدالعی اردبیلی چاپ و بسیار مشهور و از کتابهای درسی طلاب علوم دینیة و عربیة است

۸- الادویة والحال والامکة والمیاه با الحال والامکة والمیاه که در لندن چاپ شده و ظاهرا همان اسماء الحال مذکور در فوق اس ۹- الحال والامکة والمیاه که مذکور سد ۱۰- دیوان التمثیل ۱۱- دیوان الرسائل ۱۲- دیوان الشعر ۱۳- الرائص فی علم الفرائص ۱۴- رؤس

المسائل در سه ۱۵- ربيع الاثرار و نصوص الاحبار ۱۶- الرسالة الناصحة ۱۷- سوائر الامثال ۱۸- شرح ايات الكتاب سيويه ۱۹- شرح مشكلات المفصل ۲۰- صميم العربية ۲۱- صالة الناشد ۲۲- المائق في عريب (تفسير ح) الحديث که در حدر آناد هند حاب سده اس ۲۳- المصطاس در عروس ۲۴- الکشاف عن حقائق التمريل که بارها در اساسول و کلکته حاب و عسر قرآن مجيد اس ۲۵- الکلم النواع يا نواع الکلم که در بيروت و فاهره حاب سده و در پاريس سر با رحمة فرانسوي آن بطبع رسنده اس ۲۶- متشابه اسامي الرواة ۲۷- المحار والاستعارة که رساله ايس محضر ۲۸- المستقصي در امثال ويك نسخة حطی آن در حرانة مصر و چند نسخة سر در ديگر کتابخانه ها موجود اس ۲۹- معجم الحدود ۳۰- المهرود والمؤتلف در نحو ۳۱- المفصل في صناعة الاعراب که از معروف ترين کتب نحويّه و بنام اسماء و افعال و حروف و احوال مشترکه آنها بچهار باب مشتمل است ، بارها در مصر و دهلي وغيره چاپ شده و خود مصنف آن را ملخص کرده و امور حاشي ناميده حياصحه مذکور شد ۳۲- المعامات در احلاق که داراي پنجاه مقامه بوده و در فاهره و استانبول چاپ شده است ۳۳- معدمة الادب در لغت که در ليسانس حاب سده ۳۴- المصالح الصغار ۳۵- المصالح الکبار يا الکبرى که سه سة بعضی همان معامات مذکور اس ۳۶- المصالح الصغار ۳۷- نواع الکلم که بنام الکلم النواع مذکور شد و غير اسمها اشهر از همه ، تفسير کشاف مذکور است که در بنامي افطار عالم مشهور و مرجع استفادة فحول بوده و در حق آن گفته اند

ان التماسير في الدنيا بلا عدد  
و ليس فيها لعمرى مثل كشاف  
ان كنت تعنى الهدى فان لم قرائته  
فالجهل كالداء والكشاف كالشافي

بعضی اين دو شعر را بخود رمحشري نسبت داده اند که پس از رواج و انتشار کشاف، در مقام شکرگري نعمت پروردگاري گفته است

اطلب انا الفاسم الحمول ودع  
عيرك يطلب اسامي و كني  
شه بعض الاموات بسك لا  
ترره ان كنت عاقلا فطبا  
ادوه في البيت قبل منته  
و اجعل له من حمولة كفا

سر بدو مسلوب است

كنرا لشك والتحلاف فكل  
بذعي الامور بالصراف السوي  
فاعتصامي بلاله سواه  
نم حسي لاحمد و علي  
فاركلب بحب اصحاب كهف  
كف اشعي بحب آل نبي

بیر در آخر جلد نانی کشاف حاب مصر، ضمن شرح حال ره بحسري بدو نسبت داده

و اکتسه کتانه لی اسلم  
ایح الطلا و هو الشراب المحرم  
ایح لهم لحم الکلاب وهم هم  
ایح نکاح الیت والیت محسرم  
ثمیل حلولی نعیم محسرم  
یقولون یتس لیس بادی و یفهم  
وما احد من السن الناس یسلم  
علی انهم لایعلمون و اعلم  
انا المیم والایام افلح اعلم

ادا ستلوا عن مذهبی لم ایح نه  
فان حبیباً قلت قالوا بانی  
وان مالکیاً قلت قالوا بانی  
وان شافعیاً قلت قالوا بانی  
وان حنبلیاً قلت قالوا بانی  
وان قلت من اهل الحدیث وحره  
تعصت من هدا الرمان و اهله  
و احرنی دهری و قدم معشرا  
و مد افلح الجهال ایتت انی

ظاهر این اشعار شیخ رمحشری است در هدیه الاحباب بیر گوید رمحشری ناساد  
خود از حضرت رسالت ص روایت نموده که آن حضرت فرمود فاطمة مهجة قلبی و اماها  
ثمرة فؤادی و بعلمها نور بصری و الائمة من وندها امماء ربی و حل ممدود بینه و بین حلعه  
من اعتصم بهم حتی و من تحلف عنهم هوی

ولادت رمحشری روز چهارشنبه بیست و هفتم ربیع سال چهارصد و شصت و هفت  
در قریه رمحشر (رور فلندر) نامی از دیهات حواریم واقع و وفاتش بیر شب عرفه سال  
پانصد و سی و هشت یا چهل و هشت هجری قمری در بلده حرحایسه که قصه و کرسی بلاد  
حواریم میباشد وقوع یافته است

(ص ۱۹۷ ج ۲ کاو ۷۵۰ ت ۱۴۵ هـ و ۱۲۶ ج ۱۹ حم و ۲ ص ۲۴۲۱ ج ۴ س و ۳۴۲ ج ۳ مع و غیره)

شیخ عبدالعزیز - مکی رمرمی ، از اکابر و اعیان علما و فصلاهی

رمرمی

مکه میباشد که در شعر و اتقا بیر دستی توانا داشت ، دو قصیده

عالی در مدح حضرت رسالت گفته است که یکی به الفتح التام فی مدح حیر الانام و دیگری

ب الفتح المبین فی مدح سندا المرسلین موسوم بوده و ایاب فرح بیر که در استعانه آن

حضرت گفته از اشعار شیوای او است

قد توانی الکرب و اشتد الحرح

یا رسول الله عجل بالفرح

نک فی حظ رحا الا ابلح

فما بالله ما لا د امرؤ

تا آخر که چهل و شش بیت است رمرمی دو کبیرک عرال و دام السرور نامی داشت که

صادقاً هر دو را فروخته پس پشیمان شد و در این موضوع گوید

و افق مسرتی بهما قریر

بحارتی کنت قریر عین

ولا دامت ولا دام السرور

فصر صری ایامی عرالی

رهرمی سال بهصد و هفتاد و شش هجری قمری در هفتاد و شش سالگی درگذشت و حمله قداصح بحان الحلد = ۹۷۶ تاریخ او است (ص ۳۲۰ نورسافر)

ربقی در اصطلاح رحالی لقب مهلب و شرح حالش موکول بدان علم است

### زنجانی

میرزا ابوطالب بن میرزا ابوالقاسم بن سید کاظم - موسوی، رحابی  
الولادة، تهرانی الوفاة والافامة، از علمای اوائل قرن حاضر

ربحابی

چهاردهم هجرت میباشد که در تهران  
بکثرت اطلاع و تبحر علمی معروف  
و مرجع حل اشکالات علمی بوده و از  
تالیفات او است



۱- احکام اوانی الذهب والفضة  
۲- ایضاح السیل که جان سده است  
۳- التعادل والترحیح ۴- التعمید  
فی احکام التقلید ۵- عایة المرام فی احکام  
الصیام در شانزدهم ربیع الثانی  
یکهزار و سیصد و بیست و نه قمری  
از هجرت در هفتاد سالگی در تهران  
وفات یافت

(ص ۴۳۸ ح ۶ عن)

عکس میرزا ابوطالب ریحابی - ۲۰

ربحابی - بفتح اول، منسوب است بریحان (معرب رنگان) و آن شهری است دلگشا و  
بارت و صفا که قصه و کرسی حمسه از ایالات ایران و در میان قروین و آذربایجان میباشد  
افاضل بسیاری از آنجا برخاسته اند که بعضی از ایشانرا با مدیریت مساعدت و مسائل موجوده و اطلاعات  
خارجی ثبت اوراق مینمایند لعل ریحابی در اصطلاح رحالی، عبارت از نصر بن هبنا الله میباشد  
و شرح حالش در آن علم شریف است



حاج میرزا ابوعبدالله ابن میرزا نصرالله - شیخ الاسلام روحانی، از

روحانی

از علمای قرن حاضر چهاردهم هجری قمری میباشد که پس از احد

علوم ادبیه و عربیّه، فلسفه و کلام و فلکیات را نیز در مولد خود روحان، از میرزا ابراهیم

فلکی معروف روحانی، از تلامذه میرزا ابوالحسن حلوه سالف الترحمة یاد گرفت، مدتی

در تهران تکمیل مراتب علمیّه پرداخت تا در اوایل سال ۱۳۳۰ هـ ق به جفا سرف مشرف

شد و هشت سال تکمیل علوم دینیّه پرداخت، باحارّات احتیادی و روایتی اکابران

حوزه مقدّسه نایل شد، بوطن خود مراجعت و بفاصله چند سال زیارت بیت الله الحرام

بصمیم داد، در حلال این احوال، در فلسطین و فاهره و سوریه با افاضل آن نواحی

ملاقات نمود، در سال ۱۳۵۴ هـ بار دوم بمصر مسافرت کرده و مورد تحلیلی و احترامات

ادبا و فضلا و اسایید دانشگاه مصر و الازهر گردید، بعد از مراجعت بایران مدتی در

بهران تدریس تفسیر و فلسفه اشغال ورزید تا در پیموشه هفتم حمادی الاخره سال هزار

وسیصد و شصت هجری در روحان در سجاه و یک سالگی وفات یافت و آرا فارغی او است

۱- اصول القرآن الاحتماء، عربی ۲- الافکار عربی کتبی اسب فلسفی و اجتماعی

که عقیده اسلامی را با عمل و قرآن روس مسارد ۳- تاریخ القرآن عربی که در مسر حاب و

احرا بر حمة فارسی آن سر در بهران بطبع رسیده اسب ۴- دین الفطرة ساری ۵- زندگانی

محمد ص که بر حمة فارسی کتاب الانطال مورخ سهراب کلمسی بوماس کار لایل (موفی سال ۱۸۸۱ م)

بوده و در سرب حاب سده اسب ۶- سر انتشار اسلام ۷- شرح کتاب بقاء النفس بعد بقاء الجسد

جواحه نصر طوسی که در فاهره حاب سده اسب ۸- طهارة اهل الکتاب عربی که در بغداد چاپ

سده ۹- عظمت حسین بن علی ع که در تبریز حاب سده اسب ۱۰- الفیلسوف الفارسی الکمبر

صدر الدین السرازی که شرح حال ملا صدرا بوده و در دمشق حاب سده است

(اطلاعات مفترقه)

میرزا ابوالقاسم بن میرزا کاظم بن میر محمد حسین - موسوی روحانی،

روحانی

عالمی است فاضل از تلامذه سید محمد باقر حجه الاسلام رشتی

سالف الترحمة و حاج محمد ابراهیم کلماسی آبی الترحمة که در سال هزار و دوست و سجاه

سه از هجرت بعد از تکمیل بحصول علمیّه از عتبات روحان مراجعت نمود، دارای

ریاست و نمود و اقتدار بی نهایت شد، در مصائب اهل بیت طهارت ع چشمی گریبان داشت، همواره عبادت مشغول بود، در فتنه نایب فصایائی از وی مشهور است و تألیفات نافع دارد

۱- ایضاح الدلائل فی حساب عقد الانامل ۲- تحریب اسباب در رد ناسه ۳- الحیوة  
 ۴- حجة الانوار علی فرقة الاشرار فی اثبات حرمة الخمر فی الشرائع السابعة و جمیع الادوار  
 ۵- رد المنا ۶- سد الثاب ۷- قرعة الاصرار فی اثبات امامة الائمة الاطهار ۸- قلع المنا  
 ۹- قمع المنا هر دو در رد ناسه ۱۰- المقاصد المهمات فی صیغ العمود والایقاعات ۱۱- معالید  
 الانواب ۱۲- نار الله الموقدة در مصائب ۱۳- هداية المتقین در عقائد اصولی و فروع دین

صاحب ترجمه روز دوشنبه سوم جمادی الاولی سال هرات و دو بیست و نود و دو یا سه هجری  
 قمری در ریحان در حدود همداد و دو سالگی وفات یافت و در قبه مخصوصی در خارج آن  
 بلده مدفون گردید (ص ۱۳ ح ۸ عن)

شیخ اسدالله - از علمای امامیه عصر حاضر میباشد که سال هرات  
 روحانی  
 و دو بیست و هفتاد و دو هجری قمری در قریه در رح بردیگی ریحان  
 متولد شد ، هم در آنجا معدمات را تحصیل نمود ، پس برای ادامه تحصیلات علمی خود  
 عراق عرب رفت ، اخیراً حاضر حوره درس حاج میرزا محمد حسن شیرازی آبی الترحمة  
 گردید ، تمامی ادوار زندگی خود را در خدمت علم و تدریس فقه و اصول مصروف داشت ،  
 تا آن همه نابوایی و خانه نشینی که در آخر عمر داشته با هم در مباحثات علمیّه و انجام  
 وظائف دینیّه اهتمام تمام نکار میکرد و از آثار فامی او است

۱- السع ۲- حاشیه رسائل ۳- الحنارات ۴- الطهارة ۵- قاعدة وفوا بالعمود  
 ۶- قاعدة سلطنت ۷- قاعدة لاصرر ۸- مباحث الفاظ صاحب ترجمه در دهم روح سال  
 هرات و سیصد و بیست و چهار هجری قمری در نجف وفات یافت (ص ۱۴۵ ح ۱۲ عن)

حاج سح حواد بن ملا محرم علی بن کلب فاسم - طارمی ابهری  
 روحانی  
 روحانی ، از علمای امامیه اوائل قرن حاضر چهاردهم هجری  
 قمری میباشد ، بحسب ابداکی در ریحان تحصیل کرد ، سپس بقرون مهاجرت نمود ، در  
 خدمت علامه وقت سیدعلی ، محشی قوابل ، احد مراتب علمیّه کرد ، بعد برای ادامه

تحصیلات علمیّه بعتاب عالیات مشرف شد ، در حورّه درس حاج سید حسین کوه کمری و فاضل ایروانی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی که شرح حال هر یک در محل خود از این کتاب مذکور است حاضر گردید ، بعد از تحصیل اجاره از ایشان بر ربحان مراحت و تدریس و تألیف و انعام دیگر وظائف دسینه مشغول شد تا سال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری وفات یافت و از آثار قلمی او است

۱- الاصول الجعمریة در عقائد سارسی که در ایران چاپ شده است ۲- افضل المعالس فی المواعظ والمصائب که معتل فارسی است و در ایران چاپ شده ۳- تکمیل الایمان فی اثبات وجود صاحب الزمان که فارسی است و در ایران چاپ شده است ۴- حاشیة رسائل شیخ انصاری ۵- حاشیة قوانین الاصول که در ایران چاپ شده است ۶- رسع المتهجدین ۷- شرح الاحتشام که شرح بهج البلاغه است و بحواشش شاهراده احتشام السلطنة قاجار والی ربحان تألیف شده ۸- مشکل الرجال فی منتهی المقال (دریعة و اطلاعات متفرقه)

عبد الوهاب بن ابراهیم بن عبد الوهاب بن ابی المعالی - ربحانی  
حر رحی ، مکنی ناو المعالی ، ملقب بعرالدین ، از مشاهیر

ربحانی

ادبای قرن هفتم هجری قمری بوده و از تألیفات او است

۱- تصحیح المعیاس فی تفسیر المسطاس در علم عروس که شرح کتاب قسطاس و محسری است و در سال ششصد و پنجاه و پنج هجری قمری از تألیف آن فراعته یافته است ۲- التصریف در علم صرف که بسیار مختصر و محل استفاده از باب فصل و هم بوده و شروع بسیاری بر آن نوشته اند و نارها در مصر و ایران و غیره چاپ و در روم نیز با رحمة لایبی آن بطبع رسیده و آنرا بجهت انتساب بلف مذکورش تصریف عری بیر گویند ۳- شرح الهادی للشادی که کتاب الهادی للشادی نام میدانی را سال ۶۵۴ هـ شرح کرده و یا نوشته بعضی کتاب هادی متن این شرح بیر از خود ربحانی است و شرح تصریف مذکور است ۴- التمدادی فی التصریف که نام اصلی همان کتاب تصریف مذکور است ۵- المصنوع علی غیر اهله و آن مجموعه ابیاتی است که از اشعار شعرای جاهلیت و شعرای اسلامی تا زمان خود انتخاب کرده و عبدالله بن عبدالکافی عینی از افاضل قرن هشتم هجرت آن

را در سال ۷۲۴ هـ قمری شرح کرده و اصل و شرح در قاهره چاپ شده است ۶- الهادی که شرح تصریف مذکور است سال وفاتش بدست بیامد لکن چنانچه معلوم شد سال ۶۵۵ هـ قمری در قید حیات بوده است و سوشته در ریعه در همان سال وفات یافت نام صاحب بر حمه موافق مشهور عبدالوهاب بن ابراهیم است چنانچه مذکور داشتیم و در بعض مواضع کشف الطیون ظاهر میشود که ابراهیم بن عبدالوهاب است (کف و ۹۷۷ مط)

سید میرزا عبدالواسع بن سید محمد بن ابی القاسم - حسینی رحانی،

### رحانی

ار اکابر علمای امامیه میباشد که سال ۱۲۹۱ هـ قمری در رحان

وفات یافته و آثار تألیفات او است

۱- الاجتهاد والتقلید ۲- حاشیه ریاض المسائل ۳- حاشیه قوانین الاصول

(مواضع متفرقه از دریعه)

ملاعلی - فارپور آ نادی، قزوینی الاصل والولادة، رحانی المسکن

### رحانی

والمدرس، ار اکابر علمای امامیه او احر قرن سیردهم هجرت

میباشد که فقیه اصولی رحالی و اعطادیب و تلامذه شیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدين

آتی الترحمة و از معاصرین شیخ مرتضی انصاری و نظائر وی بود بعضی از احله او را

باستاد مذکورش ترجیح داده و با وجود او تقلید وی را حایر نمیدانستند و حاج میرزا

حبیب الله رشتی و بعضی دیگر از اکابر وقت از تلامذه وی میباشد صاحب بر حمه

مدنی در قروس مشغول بدیسی و تألیف و فتوی و ارشاد بوده و اخیراً بر حان مهاجرت

نمود و با بحام و طائف دینیته اشتعال داشت تا بعد از اشغال نائره فتنه نایبه بکر بلائی معلی

رفت ، بفاصله هفت سال که آن نائره خاموش گردید در سال هرات و دو بیست و شصت و هفت

بار بر حان عودت نمود ، مدرسه ای عالی و مسجد بزرگی چهل ستونی بنا نهاد و بقرار

سابق با بحام همه گونه خدمات دینیته اشتعال داشت تا در هشتم محرم سال هرات و دو بیست

و بود تمام هجری قمری در هشتاد و یک یا بود سالگی بدرود جهان گفت و در بقعه خود

در مقبره سید ابراهیم مدفون گردید و تألیفات با فعه از خود بیادگار گذاشت

۱- تفسیر قرآن از سوره س تا آخر ۲- حوامع الاصول درسه مجلد ۳- السؤال والحواب از طهارت نادان ۴- شرح تصریها رحانی ۵- شرح عوامل ملامحس ۶- شرح قصیده دعبل ۷- شرح قصیده فردق ۸- شرح قواعد علامه که در دیل سام نظام الفرائد مذکور است ۹- الصید والدناحة که در بهراں چاپ شده ۱۰- صیغ العمود که در مدت هفت روز یا ده روز تألیف و در سریر چاپ شده ۱۱- المتاحر ۱۲- معدن الاسرار در پنج مجلد که اولی و سیمی در تبریز و چهارمی و پنجمی نیز در بهراں چاپ و جلد دویمی آن در حال حیات خود مؤلف مفقود شده است ۱۳- مساک الحج ۱۴- نظام الفرائد فی شرح القواعد که هفت مجلد و شرح قواعد علامه حلی است و یک قسمت از آن در بهراں چاپ شده ۱۵- نوامیس الاصول در دو مجلد ۱۶- وسیلة النجاة و غیر اینها قاریپور آباد نام یکی از دیهات قزوین است

سید یعقوب صدر دیوان - رحانی لاهوری موسوی، پسر سید علی،

### رحانی

از اکابر مشایخ و عرفای سلسله حیدریه شهر لاهور میباشد که

علوم طاهری و باطنی را جامع بود، سب او با شارده پشت بحضرت امام موسی بن جعفر موصول میشود، در سال پانصد و سی و پنج هجرت از رحان بهند رفت، در لاهور اقامت کرده و هنگامه مشیحت گرم ساخت، مورد توجه اکابر وقت گردید، مردمان بسیاری دست ارادت بدو دادند و در سال ششصد و چهارم هجرت درگذشت

علام سرور هندی در تاریخ وفاس گوید

بحب ایردی گردید محبوب

حو رحانی از این دنیا سحر کرد

سال رحلت آن شاه مطلوب

شاه معمول رحانی = ۶۰۴ روم شد

دگر فرما مقدس پیر یعقوب - ۶۰۴

بگو مسعود هندی صدر دیوان = ۶۰۴

(ص ۲۵۲ ح ۲ حرسة الاصفاء)

مسلم بن خالد - شرح حالش موکول بعلم رحال است

رحی

حسین بن ابی العلاء - بعنوان رندحی (با رای فرشت) مذکور شد

رندحی

شیخ عثمان بن شیخ عبدالکبیر - حشمتی صابری، از عرفای نامی

رندیه پیر

عصر خود بوده، علوم طاهری و باطنی را جامع بود بعد از فوت

پدر سجاده شین مشیحت شد ، برادرزاده‌های او در این موضوع بنای محاصمه گذاشتند  
با امر بمحاربه انجامید، عاقبت مسد مشیحت در شیخ عثمان استقرار یافت و مشغول ارشاد  
و اسهام و طائف مقررده بوده تا در سال بهصد و بود تمام از هجرت درگذشت و علام سرور  
در تاریخ آن گوید

شیخ عثمان پیر عالم گیر چشت      رفت از دیبای دوز اندر حان  
رحلتش رکن جهان عثمان = ۹۹۰ هـ      بقرطبا الواصلین عثمان = ۹۹۰ هـ جوان  
اقا شیخ نظام‌الدین پسر شیخ عثمان ، بعد از پدر حلیفه وی شد، از مشایخ طریقت ، با  
رهد و قناعت موصوف و با ریاضت و عبادت معروف بود ، بارشاد عباد اشتعال داشت تا  
سال یکپهار و هیجدهم هجرت در یکصد و چهل و هفت سالگی درگذشت و حمله  
محدوم محبوب کریم = ۱۰۱۸ ماده باریح او است (ص ۴۵۵ ج ۱ ح ۵)

رند، بیل      احمد بن ابوالحسن - عنوان حامی نگارش داریم

### رنوژی<sup>۱</sup>

میرزا حسن بن عبدالرسول بن حسن - حسینی السب، رنوژی الاصل،  
حویبی الولادة، از اکابر علمای اوائل قرن سیزدهم هجرت میباشد  
که در علوم عملیه و نقلیه مسخر بود، در اوائل زندگی برد ملامحمد شعیب دهجواری قانی  
سریری درس خواند ، سپس پنج سال دیگر هم برد ملامعبدالسنی طسوحی آبی الترحمة  
بتحصیل علوم ادبیه پرداخت تا سال ۱۱۹۵ هـ ق در حدود بیست و سه سالگی بعتبات عرش  
درجات مشرف و در حوره درس آقای بهبانی و صاحب ریاض و میرزا مهدی شهرستانی  
حاضر شد ، بعد از تکمیل تحصیلات علوم دینی در سال ۱۲۰۳ هـ بمشهد مقدس رسوی  
عازم و بااصله دو سال با بوطن خود مراجعت نمود، در آنجا بر حسب خواهش حسینقلی خان  
دسلی در سال ۱۲۰۹ هـ ق کتاب بحر العلوم و در سال ۱۲۱۶ هـ ق بقرطبا ریاض الحنة را

۱ - رنوژی - مصاول و ثانی، مسوب بقصه رنوژی نامی است از مصافات تهریر آذربایجان  
که مشأ بعضی از ارباب کمال بوده و حدی از اسان را تدکر میدهد

تألیف داد و دو کتاب دیگر رندة الاعمال و وسیلة النجاة در او را و ادعیه بیر اراو است و سال وفاتش بدست بیامد محمی نماید که کتاب بحر العلوم مذکور ، فارسی و ملتمح و کثیر الفوائد و دارای فوائد ممتعه بسیاری از هر علم میباشد، منقوب بوده و نظیر کشکول و دارای هفت جلد است که سه جلد ار آن با حط و کاعد خوب در تریر بطرایین نگارنده رسیده است کتاب ریاض الحیثه بیر هشت مجلد و مملو از فوائد تاریخیه و غیر آنها میباشد صاحب ترجمه شعر خوب هم می گفته و بغای بخلص میکرده وار او است

دمی سوی من از رحمت نمی بینی  
سرم فدای تو آئین دلبری ایست  
برا است ریختن خون من مباح ولی  
مرا رضا بقضای تو مذهب و دین است  
نظر رفایی بیدل مکن در بع که او  
در آستان تو از سادگان دیر یست  
محمی نماید که میرزا عبدالرسول بدر صاحب ترجمه بیر از ساجوران معروف رنور میباشد، اردو آورده سالگی با هفتاد سالگی در سیاحت بوده و در نوانی در مصائب حضرت سید الشهداء ع دارد ، بغا بخلص میکرده و اول دیوانش این است

بار این فعان و علعله اندر زمانه چیست  
این آتس زمان فسا را زمانه چیست  
گفتا حوی بی نواکن و برینوا گذر  
سگر که سر ناله این در میانه چیست  
و سال وفات او بیر بدست بیامد  
(ص ۴۲ ح ۳ در نعة و عبره)

### رنوری

ملا عبد الله بدر آ فاعلی مدرس رنوری دلیل الترحمة ، از علما و افاضل آدر نایجان میباشد که در قصه رنور مذکور فوق مبولد شد، در ندایت رندگانی سله حوی رفته ادبیات و علوم عربیه را در آنجا بدر حه کمال رساید نا آنکه ملا عبد الله بحوی سهرت یافت بس نعمات رفته و اصول فقه را در کر بلا در حوره درس سید مجاهد و حجة الاسلام سفتی متقن داشت ، بعد بقم رفته و قواین را از خود مؤلفش میررای قمی خواند ، بس از بکمیل علوم سریعیه ناصه پان رفته و تحصیلات علوم حکمییه برداحت نا از طرف استاد خود ملا علی نوری ب مدرسی مدرسه مروی بهران (که در آن اوان حاج محمد حسین حان مروی نأسیس داده بود) معیش شد و مورد عنایات

ملوکانه فتحعلی شاه قاجار گردید ، در صورت و معنی ترقیبات بسیاری کرده و مدت بیست سال در همان مدرسه تدریس اشتغال داشت تا سال هرات و درویش و پمجاه و هفت هجری قمری برحمت ایردی نایل آمد و در تاریخ آن گفته اند روح عبداللّه همی روحانیان را پیشوا = ۱۲۵۷ اربالیفات او است

۱- انوار حلیه در شرح حدیث کمل ۲- حاشیه اسفار ملاصدرا ۳- رساله علیه در حکونگی عصب خداوندی بر گناهکاران ۴- لمعات الهیه در ایات و احب الوجود و صفات او (ص ۲۳۵ ح ۳ طرائق و مواضع متفرقه از دریعه)

آقاعلی فرزند ملا عبداللّه - رنوری مذکور فوق مقیم تهران معروف

### رنوری

مدرس ، از مشاهیر حکمای اوائل قرن حاضر چهاردهم هجرت



میاسد که جامع معقول و منقول بود ، در مدرسه سهسالار قدیم تهران در هر دو رشته از روی تحقیق و استدلال تدریس می کرد بهمین جهت مدرس شهرت یافت حناحه بصحت کمالات صوری و معنوی بحکیم الهی و اسناد الاساتید بر موصوف بود ، علاوه بر مراتب علمیه در صفای باطن و تهذیب اخلاق نیز ممتاز و طاق و از رهبره طالبین حق دستگیری می نموده است سالها ناید برآه فیص دید

عکس آقاعلی مدرس (رنوری) - ۲۱

تاریکی آن حنا آید دید

در آثار و آثار گوید آقاعلی مدرس غالب کتب کلام و حکمت و ریاضیات را استادانه تدریس میکند، سالها در مدرسه سهسالار (مذکور) ابرواگرنده و در این ریاضت، اخلاق ستوده و ملکات مستدیده بهم رسانده بلکه داناً درویش صعب و فقردوست و عارف دشه و صوفی مس و وارسته و بی تعیین است نوشته طرائق ، باکمال حقیه با مقور عالی ساه



دست ارادت داد و شب شنبه هفدهم دی القعدة سال هرات رسید و همت هجری در تهران وفات یافت و در حواری حضرت عبدالعظیم ع مدفون گردید میرزا لطفعلی صدرالافاضل که در عرفای آن عهد مشار بالسان بوده در تاریخ آن گوید

حول الوفاة نظاما  
قدفار فوراً عظما = ۱۳۰۷

یا من یحاول صفا  
للعام ارح حسیا

و این رباعی از او است

برداشت نقاب و گشت طاهر بحجاب  
گردید اسویراب طاهر شراب

حورشید ازل روح خو برداشت نقاب  
طاهر بحجاب اگر نشد بس رجه روی  
از تألیفات او است

۱- **بدايع الحكم** در حواری حمد مسئله عامه معقولیه (که عمادالدوله بدیع الملک

میرزا بن امامعلی میرزا بن محمدعلی میرزا بن فتحعلی شاه قاجار از وی استفسار نموده)

در سال مذکور وفات تألیف و سال ۱۳۱۴ ه قمری (عشید) در تهران حیات سده است

۲- حاشیه اسفار ملاصدرا ۳- رساله‌ای در اینکه منطق از علوم حکمه است ۴- سبیل الرساد

فی احوال المعاد ۵- المنص کل القوی که در حاشیه شرح هدایه ملاصدرا در بهران حیات سده

۶- وجود راضی که در تهران حیات شده (ص ۲۲۴ ح ۳ طرائق و مواضع منبرقه دریمه)

حاج میرزا محمدحسن - بدر فلسوف الدوله آتی الرحمة ،

رنوری

رنوری الاصل ، تریبری المسکن ، از علمای امامیه اوائل قرن

حاضر چهاردهم هجری و از بالامده شیخ مرتضی انصاری و فاضل اروانی و دیگر اکابر

وقت میباشد کتاب **المآتین فی الامامة علی سبب الالهیین** تألیف او بوده و رساله‌های متفرقه

در فقه و اصول و کلام و غیره نیز دارد ، در بیست و ششم شهر سوال هرات و سصد و دهم

هجرت در تبریز وفات یافت و حناره‌اش را سحیف اسرف نقل دادند

(اطلاعات منبرقه)

## رواری

رواری

حمزید بن مسعود - بعنوان عیانت‌الدین حواهد آمد

رواری

شیخ‌علی بن حسن - عالم فاضل مفسر معروف از علمای امامیه

قرن دهم هجرت میباشد که استاد ملافتح‌الله کاشانی (متوفی سال

۹۸۸ هـ) و از بلامدۀ محقق کرکی (متوفی سال ۹۴۰ هـ قمری) بوده و تألیفات سودمند دارد

۱- تحفة الدعوات در اعمال سال ۲- ترجمه احتجاج طبرسی ساری ۳- ترجمه

اربعین حدیث شهید اول ساری ۴- ترجمه اعتقادات صدوق ساری که وسیله النجاة نام دارد

۵- ترجمه تفسیر مسوب بحضرت امام حسن عسگری ع ساری ۶- ترجمه الحواصی که تفسیر

فارسی قرآن محند بوده و به تفسیر رواری معروف است ۷- ترجمه عدة الداعی این فهد که موسوم

به مصباح النجاة (الحاج (ح) است ۸- ترجمه کشف‌العمه ساری که به ترجمه المناقب موسوم و

بک نسخه خطی آن شماره ۱۹۰۲ در مدرسه سهسالار خدیو بهران موجود است ۹- ترجمه مکارم

الاحلاق ساری که به مکارم الکرائم موسوم است ۱۰- ترجمه المناقب که مذکور شد ۱۱- تفسیر

قرآنی ساری که نام ترجمه الحواصی مذکور شد ۱۲- روضة الانوار که شرح ساری بهج البلاغه

بوده و در سال ۹۴۷ هـ از تألیف آن فارغ و نسخه آن در کتابخانه مدرسه مروی تهران و

کتابخانه رسوبیه در مشهد مقدس رسوبی ع موجود است ۱۳- شرح بهج البلاغه که همان

روضه الانوار است ۱۴- نواعع الانوار الی معرفة الائمة الاطهار که نامرسان بهماسب صغوی تألیف

سده و ساری است ۱۵- مجمع‌الهندی ساری در فصل اساع ۱۶- مرآت‌الصفا ساری

۱۷-۱۸-۱۹- مصباح النجاة و مکارم الکرائم و وسيلة النجاة که در سده ۷ و ۹ و ۴ مذکور شدند

سال وفات بدست نیامد ، لکن در سال ۹۴۶ هـ که تاریخ حتم تألیف تفسیر قرآن میباشد

در فید حیات بوده است حایحه خودش در تاریخ آن گفته

ار فصل‌اله حون با امام رسید

تاریخ وی ار فصل‌اله است عنان

حملة فصل‌اله = ۹۴۶

(ص ۱۴۶ هـ و ۴۰۷ ت و عره)

۱- رواری - نکسر اول و تحفیف بانی مسوب است بدیهی رواره نام از مصافات اصعها

که جهت کثرت ساداتی که در آنجا اقامت دارند تقریقا السادات معروف میباشند و بعضی از مسوب

آن را تذکر مندهد

روال لقب احمد بن علی است که بعنوان ابن مأمون در باب کبی خواهد آمد

رواوی یحیی بن عبدالمعطی - در باب کبی بعنوان ابن معط خواهد آمد

روح صالح در اصطلاح رحالی لقب علی بن عبیدالله بن حسین اصغر و روح داس  
دحیر عمّ حود عبدالله بن حسین اصغر میباشد و شرح حال ایشان

موکول بدان علم است

### رورنی

رورنی اسعد بن علی بن احمد - معروف بمارع رورنی، مکشی نابوالقاسم،

ادیب فاضل شاعر کاتب مشی که در عراق و حراسان و حید عصر

حود و شهره آفاق بوده و با آن همه کمرستی که داشته میل مهرط باستماع حدیث داشته

است و در دهم دی الحجة سال چهارصد و دوم هجرت درگذشت (ص ۹ ح ۶م)

رورنی حسین بن احمد - یا حسین بن علی بن احمد بن حسین، قاصی،

مکشی نابوعبدالله، معروف برورنی، از بیسویان نحو و لغت

و علوم عربیه بوده و از تألیفات او است

۱- ترجمان القرآن ۲- شرح المعلقات السبع که در لسان و قاهره چاپ شده و در مصر

در بنام نبل الادب فی شرح معلقات العرب طبع رسیده است ۳- شرح معلقات طرفه بن عبد ۴- شرح

معلقات لسان ۵- المصاخر که دو نسخه آن شماره ۸۸ و ۹۹ در کتابخانه مدرسه سهسالار خدند

بهران موجود است ۶- نبل الادب که بنام شرح المعلقات مذکور شد رورنی سال چهارصد

و هشتاد و ششم هجرت درگذشت (سطر ۲۱ ص ۲۳۸ و ۱۴۷ هـ ۹۴۱ مط و عبره)

رورنی عبدالرحمن بن حسن - رورنی، مکشی نابوحسیفه، از مساهر

محدثین و خوشویسان بوده و گوی مسانقت در اکبر علوم و کمالات

۱- رورنی - منسوب است رورن (رورن دورح یا روعن) که بنویسه جمعی سهری

است مابین هراب و سانبور و بنویسه مراصد ناحیه بررگی است از پیشانور که بقول بعضی بیکصد

و بست و چهار قریه مستمل میباشد و در اینجا بعضی از منسوبین آنرا تدکر میدهد

مداوله از معاصرین رسوده است ، خصوصاً در سرعت قلم و خوبی خط و نسخ ، یدیعما داشتند و خوشنویسان وقت در حیرت و شگفت بوده اند ، چنانچه در اوقات رنگامی خود چهارصد فرآن هریکی با حرت پنجاه دیوار ( اشرفی طلای هیجده بخودی ) با خط خودش بیادگار گذاشت و عاقبت سال چهارصد و پنجاه و پنجم هجرت در اسای مسافرت مکه در گذشت ( ص ۱۳۹ پندایش خط و خطاطان و غیره )

روربی عمادالدین - بعنوان عمادالدین روربی خواهد آمد

رهاه بمانه  
صمّ اوّل و تشدید نانی جمع راهد و در اصطلاح علمای رجال  
عمارند از ربیع بن حیتم ، هرم بن حیان عدی ، اویس قرنی ،  
عامر بن عبد قیس ، عبدالله بن نوب ، مسروق بن اجدع ، حسن نصری ، اسود بن یرید  
یا یرید یا یریر (علی اختلاف السح) که چهارتن اولی حقاً و صدفاً از رهاه انبیا و از  
اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و چهارتن دیگر باطل و از رهاه اشقیاء و مخالف  
آن حضرت و رهد ظاهری و ورع صوری ایشان محض از راه تدلیس و تلبیس و شیطنت  
و مردم فریبی بوده است . نطائر ایشان در هر زمانی و بالاحص در این زمان ناریک و باریک  
بیشتر بوده و سیار ناسد که بعلمای طرار اول دینی بکلیف آمورند ، وای بر حال مریمی  
که دستور طمانت و حفظ الصحة بطیب بدهد آه آه خداوند عالم بحق آن دل ناک و مبارک  
یرسور و گدار حضرت امیر المؤمنین ع که از اطوار ناسایست و نانااست متایب بپروان و  
هراران امتان ایسان بیشتر از همه حیر متألّم بوده و کراراً در کلمات حقائق سمات خود  
با عبارات مسوّعه اظهار صحت فرموده اند اسلام و اهل اسلام را از شرور و مفاسد اینگونه  
راهدان ریائی و بی حقیقت که گرگان متلبس بلباس مس هستند و همواره دام مردم فریبی  
گسترده اند و بیسه بر ریسته اسلام میرسد در کف خود نگهدارد ویرحم الله عمادالامان  
بعضی از اهل وقت بعض اسود بن یرید مذکور ، حریر بن عبدالله بجلی را چهارمین  
آن رهاه اسقیاء دانسه اند و شرح حال همه این ده نفر بعنوان حواحه ربیع ، ابن حسان  
هرم ، قرنی ، عسری عامر ، ابومسلم حولابی ، ابن الاحدع ، نصری حسن ، بجمعی اسود

و بحلی علی الترتیب هریکی در محل خود از این کتاب نگارش یافته است  
(کتاب رحالیه)

عبدالله - از مشاهیر خطاطین متأخرین میباشد که خطوط حمامه

رهدی

کعبه از او بوده و در مصر و مکه معظمه خطوط دیگری نیز

داشته و در سال هراز و دو بیست و بود و سوم هجرت درگذشت (ص ۳۱۰۸ ج ۳۲)

ره رانی در اصطلاح رحالی حاده بن امیه میباشد و شرح حالش در آن علم است

### رهراوی<sup>۱</sup>

حلف بن عباس - مکنی نابوالقاسم ، از فضایل اطباء میباشد که

رهراوی

در ادویه مفرده و مرکبه حیرتی سرا داشت و کتاب التصرف فی

عمر عن التألیف که سال ۱۷۷۸ م با ترجمه لاتینی آن در اکسفورد چاپ شده از آثار او

است سال وفات بیست و یکم و در حدود چهارصد هجرت میریسته است

(ص ۸۳۴ مط)

سلیمان بن محمد گرمابی، از مشاهیر ادبا میباشد، شرحی بر کتاب

رهراوی

ادب الکاتب نوشته و موافق نوشته فاموس الاعلام در سال پانصد و

هفتاد و شش هجرت درگذشته است در روایات الحسان گوید سلیمان بن محمد رهراوی

در علوم ادبیه زبان عرب خطی وافر داشت ، سمت مشرق رحلت کرده و در آن رحلت

خود با ابوجعفر نحاس (متوفی سال ۳۳۸ ه) و ابوسعید سیرافی (متوفی سال ۳۶۸ ه)

و ابوالقاسم رحاحی (متوفی سال ۳۳۷ یا ۳۳۹ ه) ملاقات کرد و از ایشان روایت نموده و

شرح ادب الکاتب از او است، دیگر از زمان وفات حیری نوشته لکن از ملاقات سه بن

مدکور و روایت کردن از ایشان معلوم میشود که در اواسط قرن چهارم هجرت میریسته

است پس بطور قطع می توان گفت که سلیمان بن محمد مدکور در روایات، غیر از سلیمان

۱- رهراوی - طاهراً نسبت آن بهوصی است رهرا نام که نوشته مرصد شهری است

کوحک در نزدیکی قرطبه از بلاد مغرب زمین و نام موضع دیگری هم هست

بن محمد مذکور در قاموس الاعلام است و اما شرح ادب الکاتب بیر ممکن است که هر دو،  
کتابی مهمین اسم تألیف داده باشند و مباحی تعدد میباشد  
(ص ۲۴۲۲ ح ۴ ص و سطر ۱۳ ص ۳۲۳ ت)

### زهری

ابراهیم بن سعد بن ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف - مدنی الاصل ،

### زهری

سعدی المسکن والمدین ، ابواسحق الکیة ، سا باسظهار

تنقیح المقال از محدثین امامیه ، ممدوح الحال وار رجال حضرت صادق علیه السلام بوده  
است از تقریب ابن حجر نقل کرده که ابواسحق مدنی بر بل بغداد ثقه و حجت بوده و  
قادیسی داشته است در تاریخ بغداد گوید ابراهیم (مذکور) عامی مدنی از اهل مدینه  
وار پدر خود زهری محمد بن مسلم و هشام بن عروه و غیر ایشان استماع کرده و مشایخ  
سیاری بیر از وی روایت میکنند، سال ۱۸۴ هـ ق بغداد آمد ، مشمول مراسم هارونی  
گردید ، بدون معارضه نقل حدیث پرداخت ، بحلیت عا فتوی داد بلکه عاقبت بحودش  
لازم گردانید که همواره پیش از نقل حدیث تعنی نماید ، این کلام وی سمع هرون رسید ،  
بجهت امتحان احضارش کرده و حدیثی را از وی سؤال نمود پس زهری حواستار عود  
گردید هارون گفت عود بهر میخواستی ؟ گفت نه عود طرب ، هارون بسسم کرده و عود  
طربی حاضر نمود ، زهری بدین شعر تعنی کرد

۱- زهری - بسم اول و فتح ثانی ، بفرموده تنقیح المقال منسوب است بزهره که  
حسمه ایست در مدینه ، یا بست آن پسر یکی از قبائل قریش میباشد که احوال حضرت نبوی ص  
بوده اند و نام او زهره بن کلاب بن مرة بن کعب بن لوی بن غالب است از کلام مراد برمیآید  
که زهر یا زهری شهری است در قرطبه از بلاد مغرب پس دور نیست که کلمه زهری در عنوان  
بعضی از اشخاص بجهت اسباب بدان شهر باشد بهر حال زهری در اصطلاح رجالی عبارت است  
از ابراهیم بن سعد بن ابراهیم ، اسود بن عدیعت ، اکمه لثی ، سعد بن ابراهیم مذکور ،  
سعد بن ابی حلف ، عبدالله بن ایوب ، محمد بن عبدالعزیز ، محمد بن قس ، محمد بن مسلم  
مدنی شهابی ، مطلب بن رداد و جمع کثیر دیگر و در صورت اطلاق منصرف بمحمد بن مسلم مذکور  
میشود که در دلیل شرح حال احمالی او و ابراهیم بن سعد و دوتن دیگر حواهم پرداخت و  
شرح حال دیگران موکول بکتاب رجاله است

يا ام طلحة ان الدين قدامدا      قل الثواء لئن كان الرحيل غدا

هارون پرسید از فقهای شما کیست که سماع را مکروه داند؟ گفت کسی که مهر شقاوت بر دل او رده باشد، هرون پرسید که چیزی در این باب از مالک سماع داری؟ گفت لا والله الا اینکه پدرم روایت کرد روری ماحمعی در صیافت بوده و دف و دایره بیر همراه داشته اند، مالک بیر که از حیث فقه و قدر و منزلت کم پایه ترین ایشان بوده حاضر و دف مرتعی داشته و بدین اشعار بعضی میکرده است

سليمي اجمعت نسا      فاین لعالها ایما      وقد قالت لائراب      لها رهر تلاقینا  
تعالین فقد طاب      لنا العیش تعالیبا

هرون حدیده و مال سیاری بدو بخشید تا وجود این همه، بعضی او را بوثاقت و حمعی صدوق و حجت بودش موصوف دارند و گویند مرویات رهري بیشتر از دیگر محدثین آن زمان بوده و تنها در احکام (حر احادیثی که در موضوعات دیگر روایت کرده) همده هزار حدیث روایت کرده است صاحب ترجمه سال یکصد و هشتاد و پنجم یا دوم یا سوم یا چهارم حضرت در تعداد وفات یافت و در مقبره باب التین بحاک رفت (بی و تنقیح المقال و ص ۸۱ ح ۶ تاریخ بغداد)

محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله - بن حارث بن شهاب بن

### رهري

رهري بن کلاب، رهري قرشی مدنی، که بهجت انتساب به حد تعالیش

شهاب و حد عالی دیگر رس رهري، ناس شهاب رهري شهرت داشت، چنانچه او را محمد بن شهاب و یا محمد بن مسلم بن شهاب گفتن بیر که در کلمات بعضی از ارباب تراجم آمده از همین راه سنت به حد است وی از اعیان فقها و محدثین تابعین میباشد، ده تن از اصحاب را دیده و احفظ مردم بود، علوم فقهای سعه (آتی الترحمة) را در حفظ داشت، مالک بن اس و سفیان بوری و سفیان بن عیینه و حمعی دیگر از محدثین از وی روایت کرده اند و او بیر احادیث سیاری از حضرت سجاد علیه السلام روایت کرده است، بعضی از علمای رجال او را از اصحاب حضرت صادق ع بیر می شمارند علمای اهل سنت پیش از انداره اش ستوده اند و حلال الدین سیوطی (سفل روصات) او را اولین کسی میداند که حدیث را بدوین نموده است، چنانچه مالک بیر بحسب سحی بوده که در حدیث

تألیف کرده و مرتب با نوایش گرداید کیفیت حال رهري درمیان علمای شیعه محل بحث و مذاکره میباشد ، در تنقیح المعال بطور قطع تصعیش نموده و تحقیق مراتب و بیان سلسلهٔ نسبش را که حدّ عالی او نوشتهٔ بعضی عبدالله پسر شهاب بن عبدالله بن حارث بن رهري بوده (اگر لازم باشد) موکول بکتاب رحالیّه میدانیم و چنانچه مذکور داشتیم لفظ رهري در اصطلاح محدّثین و علمای رجال منصرف بهمین محمد بن مسلم بوده و حایبی که شخص دیگری را اراده نمایند بواسطهٔ قریبه معیش سازند رهري شش‌شنبه هجدهم رمضان سال یکصد و بیست و چهارم یا سوم یا پنجم هجرت در حدود هفتاد و دو سالگی درگذشت (ص ۱۴۷ هـ و ۶۸۸ ت و ۲۴ ح ۲ ک و کسر حالیه)

مسور بن محرمة بن نوفل بن عبدمنات - بن رهري رهري، مکتبی

### رهري

با بنو عبدالرحمن ، از اصحاب حضرت رسالت ص و حضرت امیرالمؤمنین ع بود ، موافق نقل از رجال شیخ سمت سعادت از طرف آن حضرت برد معاویه رف و از اسدالعانه نقل کرده که مسور از فقها و اهل علم و دیانت است ، با حال خود عبدالرحمن بن عوف در امر شوری داخل و رأیش در باطن بطرف حضرت علی ع بود ، تا زمان قبل عثمان در مدینه مقیم و بعد از آن بمکه عازم و با وفات معاویه بیر در آنجا اقامت داشت ، بعد از معاویه بیرید بیعت نکرد و در آن ارض اقدس با ابن زبیر بود با آنکه حصین بن نمیر با لشکر شام برای معاتاة ابن زبیر بمکه آمد ، مسور بیر در اوّل ربیع الاول سال شصت و چهارم هجرت در شصت و دو سالگی با سنگ محیق که در حال بیمار در حرا سمعیل بروی حورده مقتول گردید و ابن زبیر بروی بیمار خواند در تنقیح المعال بعد از نقل این حمله فرماید رسالت مسور از طرف حضرت علی ع سوی معاویه (اگر باشد چنانچه از رجال شیخ نقل شد) دلیل عدالت و قوت ایمان وی میباشد لکن اصل موضوع رسالت محل تردید بوده و کلام مذکور اسدالعانه منافی آن میباشد زیرا که بمکه رفتن مسور بعد از قبل عثمان و اقامت کردن در آنجا با حسین وفاتش مستلزم آن است که هیچ يك از عرواات حضرت علی ع را درك نکرده باشد و بعد از آن همه در بارهٔ حکونگی حال



مسور اظهار طری بکرده است، لکن در خلاصۃ التمیح گوید که مسور صحابی امامی و ثقه است  
(تمیح المقال و غیره)

### زیات

ابویعقوب - از اکابر و معروفین عرفای قرن سیم هجری میباشد

ریات

که در تعداد ساکن و محل بوحه اکابر و نا حیدر تعدادی (متوفی

سال ۲۹۷ هجری) معاصر بود اسم و تاریخ وفات و مشخص دیگری بدست نیامد

(ص ۱۲۷ ح ۲ مه)

حسین بن سظام بن شاپور - ریات از اکابر قدمای علما و محدثین

ریات

و روایات احادیث امامیه وار رجال اوائل قرن چهارم هجرت و

یا اواسط قرن مذکور بود که ناکلیسی (متوفی سال ۳۲۹ هجری) و ابن قولویه (متوفی سال

۳۶۸ هجری) هم طبقه و معاصر و مؤلف کتاب طب الائمة معروف میباشد که بدستیاری برادرش

شیخ ابو عتاب تألیف و احبار و احادیث دایر بر طب را نا مقداری از احرار و ادعیه و

باروسدهای مرویه از حضرت پیغمبر خدا و یا اهل بیت عصمت ع در آن کتاب روایت

کرده اند، اگرچه نالغ سکصدم احبار دایر بهمین موضوع که در بحار و وافی و وسائل

نقل شده نمیشد سال وفات حسین بن سظام بدست نیامد (ص ۱۸۲ ب)

حمزة بن حسب بن عمارة بن اسمعیل - فقیه فاری کوفی، تمیمی

ریات

القسلة، ابو عمارة الکلبیة، ربات الشهرة، یکی از قراء سبعة

آبی الرحمة از شیعیان و ناران حضرت صادق علیه السلام میباشد، اصول تحوید و قرائت

را از آن حضرت وار اعش یاد گرفته و حالاد و حلب راویان قرائت وی هستند، قرائت

۱ - ریات - بفتح اول و تسدید بانی نکسی اطلاق میشود که روعن ربون و یا کنجد

مسارد و فرسندة آن را بیر گویند در اصطلاح رجالی سظام بن سادور، تمیم، جعفر بن

هارون، عثمان بن سعید، علی و محمد بن حسن بن ابی الحطاب، محمد بن عمرو بن سعید،

معمر، یا سن صریح، یحیی بن حذاف و جمعی دیگر بوده و شرح حال ایشان موکول نکب

و حاله میباشد